



چالش های پیش روی انقلاب اسلامی ایران در عصر جهانی شدن، از منظر بیانیه گام دوم انقلاب

سلیمان حلیمی جلودار، امین دیلمی معزی، پفرشته نصراللهی، عباسعلی طالبی؛

۴۱

دوره ۱۵، شماره ۲، پیاپی ۴۱
تابستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳-۰۶-۰۶
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۴-۰۵-۰۳
صص: ۴۳-۲۳

شابا چاپی: ۲۳۲۲-۵۵۹۹

رتبه علمی

ب

بررسی صحت گواهی در:
JOURNALS.MSRT.IR

چکیده

پژوهش پیش رو به بررسی چالش های پیش روی انقلاب اسلامی ایران در عصر جهانی شدن، از منظر بیانیه گام دوم انقلاب می پردازد. مولفه ها و متغیرهایی چون ثبات و امنیت کشور، زیرساخت های حیاتی و اقتصادی، مشارکت مردمی، ارتقای بینش سیاسی مردم، سنگین تر شدن کفه ی عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور، افزایش عیار معنویت و اخلاق، ایستادگی در برابر نظام سلطه کنار هم نماد باشکوهی ساخته اند که هر یک به صورت جامع در کنار دیگری ارزیابی شده است. از سوی دیگر اینکه انقلاب اسلامی چه پتانسیل ها و ظرفیت هایی جهت پوشش دادن این مهم دارد، خود مسئله ای است که فرصت ها و چالش های پیش روی آن باید بصورت مفصل مورد بررسی قرار گیرد. نتایج این مطالعه نشان داد؛ جهانی شدن زمان و مکان را سرعت می بخشد. از طرفی شبکه های ماهواره ای زمین را به نقطه دیگر بدون مداخله زمان برقرار می کند. از طرف دیگر مجازی سازی دیوارهای زمان و مکان فرو ریخته است. امروز زمان بدون مداخله تاریخ است. در عصر انقلاب ارتباطی مفهوم محلی به جهانی تبدیل شده است.

واژه های کلیدی:

انقلاب اسلامی ایران، چالش ها، عصر جهانی شدن، بیانیه گام دوم انقلاب، قدرت نرم



مقدمه و بیان مسأله

جهانی شدن یک جریان واقعی تاریخی و منطق کانونی آن از قرن هفدهم آغاز گردیده است، نوسازی بر مبنای علم و صنعت، خلاقیت و نوآوری می باشد. جهانی شدن اگر چه از یک منطق اقتصادی آغاز شده است؛ اما با گذشت زمان، کلیت نظام اجتماعی شامل نظام سیاسی و فرهنگی را درگیر نموده است. آنچه حائز اهمیت است، تبیین نوع و چگونگی تعامل با چنین جریان جهانی است، به ویژه جوامع دینی از جمله جمهوری اسلامی ایران که با نظام ارزشی خاص اداره می گردد و در صدد آن است که در سایه چنین نظامی که مولود انقلاب اسلامی است، این انقلاب را در سطوح جهانی مطرح نموده و آن را به عنوان الگوی قابل اتکا و کارآمد برخاسته از آموزه‌های الهی سیاسی اسلام ناب محمدی، بین‌المللی نماید.

با داعیه جامعیت دین اسلام در میان مسلمانان که امروزه انقلاب اسلامی در صدد جامه عمل پوشاندن به این ادعاست و با توجه به پتانسیل‌های درون فرهنگی این دین در بستر انفورماتیک و رسانه، می توان از این فرصت رسانه‌ای با برد بلند، برای برتری و تحقق ایده‌های جهانی خود بهره برد. انقلاب اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه پنجم حیات خویش نهاد که با وجود گمان‌های باطل دشمنان، دوستانش در سراسر جهان و خصوصاً در قالب جبهه مقاومت اسلامی، به پیشرفت‌های خیره کننده حاصل از تلاش جوانان مومن انقلابی امیدوار هستند. در چنین مقطع حساسی از تاریخ انقلاب اسلامی، رهبر معظم انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۹۷ و همزمان با پایان چهله اول انقلاب، با صدور بیانیه گام دوم انقلاب، به تبیین دستاوردهای چهل سال گذشته پرداخته و برای تعیین تکلیف جهت انجام وظیفه و ایفای نقش جهادی برای ساختن ایران اسلامی بزرگ در چهله دوم انقلاب ارائه راه فرموده‌اند. این بیانیه در واقع تجدید مطلعی است، خطاب به ملت بزرگ ایران، به ویژه نسل فرهیخته جوان که به عنوان منشوری برای دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی، فصل جدیدی از حیات طیبه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را رقم خواهد زد. جوان درصد قابل توجهی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند و از این نظر یک مزیت برای رشد کشور محسوب می شود (دهقان پور فراشاه، دهقان پور، ۱۴۰۰: ۵۴۷).

از طرفی با عنایت به بحران‌های اخلاقی و معنوی بر آمده از مدرنیته و ناکارآمدی طرح‌های این جهانی، شرایط مستعدی برای جهانی شدن انقلاب اسلامی ایران برخاسته از آموزه‌های مترقی دین مبین اسلام فراهم آمده است که اسلام هراسی‌های غرب در دهه‌های اخیر بشارت دهنده این حقیقت مبرهن است. مسأله اساسی ما در این تحقیق آن است. انقلاب اسلامی چه پتانسیل‌ها و ظرفیت‌هایی ایران، چه ظرفیت‌ها و توانمندی‌هایی را برای جهانی شدن در آئینه بیانیه گام دوم انقلاب دارا است؟ در پاسخ این فرضیه مطرح شده که انقلاب اسلامی با توجه به تهدیدهای جهانی شدن با استفاده از شاخصه‌های مطرح شده در بیانیه می تواند افق‌های تهدید را تبدیل به فرصت نماید. این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی، در صدد پاسخ به سؤال اصلی مقاله و نیز تبیین آن قسمت از محتوای بیانات مقام معظم رهبری در بیانیه است که مربوط به ظرفیت جهانی شدن



انقلاب اسلامی و شعارهای آن و ظهور و بروز آن در تراز بین‌المللی است، لذا ابتدا به تعریف و سپس تبیین چهارچوب، مزایا و معایب جهانی شدن می‌پردازیم و سپس به بیان ظرفیت‌های جهانی شدن انقلاب اسلامی می‌پردازیم.

مبانی و مفاهیم

- جهانی شدن

جهانی شدن به معنای شمول‌گرایی و فراگیر شدن امری در سطح جهان و به معنای بین‌المللی شدن، جهان‌گستری، فراملروگرایی و تعابیری از این دست تعریف شده است. البته این اصطلاح نباید با جهانی‌سازی یعنی **Globalism** مترادف گرفته شود. موضوع جهانی شدن از دهه ۱۹۵۰ از سوی دانشمندان رشته‌های علمی اقتصاد، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، انسان‌شناسی، اقتصاد سیاسی، تاریخ، و... مطرح شده است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۰: ۱۹). جهانی شدن پدیده‌ای است که جنبه‌های مختلف زندگی انسان را در جوامع مختلف تحت تاثیر قرار داده است، به طوری که هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند به تنهایی و بدون تعامل با کلیت جامعه جهانی به زندگی اجتماعی خویش معنا و مفهوم بخشد و موجب تداوم آن شود (زارعی، ۱۳۸۸: ۹). درباره تاریخچه پیدایش این پدیده، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد: برخی معتقدند جهانی شدن فرایندی است که از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته و در هر دوره‌ای مسیری را طی کرده است (حق شناس، ۱۳۹۳: ۱۳). عده‌ای آغاز این پدیده را با آغاز نظام سرمایه‌داری در قرن شانزدهم و شروع استعمار همزمان می‌دانند، و گروهی دیگر نیز جهانی شدن را پدیده‌ای جدید و تداوم مدرنیته می‌دانند، به گونه‌ای که در دهه‌های پایانی قرن بیستم مطرح و به شدت طی مدت زمان کوتاهی اوج گرفت و بخش‌های مختلف حیات بشری را از خود متأثر ساخت. از جهانی شدن تعاریف متعددی به عمل آمده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود: آنتونی گیدنز در تعریف جهانی شدن معتقد است: جهانی شدن را می‌توان به عنوان تشدید روابط اجتماعی جهانی تعریف کرد، همان روابطی که موقعیت‌های مکانی دور از هم را چنان به هم پیوند می‌دهد که هر رویداد محلی تحت تاثیر رویدادهای دیگری که کیلومترها با آن فاصله دارد شکل می‌گیرد و برعکس (گیدنز: ۱۳۷۷، ۷۷-۷۶). از نظر رونالد رابرتسون، مفهوم جهانی شدن هم به درهم فشردن جهان و هم تراکم آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل دلالت دارد (رابرتسون ۱۳۸۲). مالکوم واترز جهانی شدن را یک فرایند اجتماعی می‌داند که در آن محدودیت‌ها و قید و بندهای جغرافیایی از ترتیبات و تنظیمات اجتماعی و فرهنگی برداشته شده و مردم به طور فزاینده‌ای از فروکش کردن این قید و بندها آگاه می‌شوند (واترز ۱۳۷۹).

روی هم رفته و در یک تعریف کلی می‌توان گفت: به طور کلی جهانی شدن فرایندی است که دنیا را به لحاظ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دچار تغییر و تحول ساخته است، به گونه‌ای که در نتیجه شکل‌گیری آن، دولت‌ها، مناطق و مردمان مختلف وابستگی بیشتری به یکدیگر پیدا کرده‌اند و هرگونه تغییر و تحولی در گوشه‌ای از جهان، مناطق و کشورهای دیگر را تحت تاثیر قرار می‌دهد (یوسفی و ستارزاده: ۱۳۸۸، ۷۲). به طور کلی مقتضیات خاص تاریخی‌ای که فرایند جهانی شدن را پدید آورده است، بدین ترتیب می‌باشند:



۱) گسترش فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به فراتر از مرزهای سیاسی، مناطق و قاره‌ها جریان آزاد تجارت، سرمایه، پول، فرهنگ و اقتصاد؛

۲) گسترش ارتباطات و نظام‌های جهانی؛ حمل و نقل و ارتباطات، که موجب درهم آمیختن اندیشه‌ها و علوم شده است؛

۳) از بین رفتن مرزهای بین امور محلی و جهانی (نادمی: ۱۳۸۸، ۱۴۸).

- تعاریف جهانی شدن

۱- به معنی بین‌المللی شدن: از این دیدگاه واژه جهانی فقط صفا دیگری برای روابط برون مرزی میان کشورها و دولتهاست و اصطلاح جهانی مشخص کننده توسعه مبدلات بین‌المللی و وابستگی متقابل است. این دیدگاه رویکرد کاملاً تجاری را به دنیا دارد گردش سرمایه - حجم مبادله اقتصادی و تجاری در سطح کشورها مهمترین معیار برای تبیین جهانی شدن است.

۲- جهانی شدن به معنای آزاد سازی: مفهوم محدودیت زدایی مهمترین صفت این تعریف است و معادل تکوین اقتصاد جهانی آزاد می‌باشد. این دیدگاه جهانی شدن را در کاهش گسترده و یا لغو موانع تجاری مربوط به قوانین و مقررات-محدودیت‌های مربوط به ارزهای خارجی و کنترل‌های مربوط به سرمایه و رویداد می‌داند.

۳- جهانی شدن به معنی جهان گستری: این دیدگاه دارای نگرش فرهنگی است. به این معنی که پدیده ادغام فرهنگها را لحاظ می‌کند.

۴- جهانی شدن به معنی غربی شدن یا نوگرایی: گاه از آن به آمریکایی شدن تعبیر می‌شود. از دیدگاه جهانی شدن (سازی) ساختارهای اجتماعی مدرن مانند سرمایه داری-عقل گرایی- دیوان سالاری در سطح جهان گسترش پیدا می‌کند در این دیدگاه مفهوم یکسان انگاری در برابر و مقابل جهان انگاری قرار می‌گیرد و مسیر دگرگونی‌ها بسوی یکسان انگاری (یکسان سازی) جهانی می‌باشد.

برخی از صاحب نظران این نگرش، جهانی شدن را امپریالیسم نام برده اند.

۵- جهانی شدن به معنی قلمرو زدایی: به معنی نفی قلمرو های جغرافیایی و فیزیکی اطلاق می‌شود. مطابق این نگرش جهانی شدن شامل تجدد نظر در مرزها- هنجارها- ارزشها و باورهای است که بر حسب سرزمین‌ها و مرزهای سرزمینی شناسایی می‌شود.

مرزهای شیشه‌ای: منظور از بین رفتن مرزهای فیزیکی بین کشورهای اروپایی است.

مولفه های قدرت تغییر کرده است و دانایی محور و دانش محور و انسان محور شده و به مولفه های نرم تبدیل شده است هر کشوری که از سطح دانش و آگاهی بیشتری برخوردار دار باشد قدرتمند تر است.

از تغییرات دیگر این است که قبلاً هر کشوری تلاش می‌کرد امنیت مرزهایش را تامین کند اما در اثر تحولات تکنولوژی و

جهانی شدن، مرزهای بین کشورها برداشته شده (مثلاً مرزهای بین کشورهای اروپایی) (ویزای شینگن)



در نتیجه تغییرات یک اتفاق بزرگ در نظام بین الملل افتاد و امنیت از مفهوم انتزاعی به یک مفهوم جمعی تبدیل شد. امنیت جمعی از جلوه های جدید جهانی شدن یعنی اگر یک کشور اروپایی مورد تهدید قرار گیرد یعنی کل این کشورها تهدید شده اند. جهانی شدن: فرآیندی در نظام بین المللی در حال شکل گیری است که همه عرصه های زندگی بشری (اعم از زیستی- اجتماعی- اقتصادی-...) تحت تاثیر قرار میدهد و هیچ کشوری در این فرایند گریزی نخواهد داشت.

جهانی سازی: کشورهایی که خودشان دارای فرهنگ برتر می بینند یک نسخه یا پروژه ای تجویز می کنند برای ساخت اجتماع فرهنگ و بهداشت و زیست جهانی (فرهنگ جهانی و بهداشت جهانی)

- در فرایند جهانی شدن دولتها و ملتها و فرهنگها می توانند تحول تعامل خود را با فرهنگ جهانی تعریف کنند.

- طبق مصوبات یونسکو اصل حمایت از فرهنگ های بومی به رسمیت شناخته شده است. (کنوانسیون - ۲۰۰۱).

اصل تنوع فرهنگی در بیانیه های یونسکو برای کلیه ملت ها به رسمیت شناخته شده است.

ما باید ویژگی های محیط فرهنگی خود را بشناسیم. محیط فرهنگی شامل مجموعه ی فرصت ها- آسیب ها- تهدیدات فرهنگی موجود در حوزه فرهنگ می باشد، است.

- هر گاه حیات فرهنگی کشور دچار تهدید شود تهدید یا بحران فرهنگی رخ می دهد.

- هر گاه بخشی از نظام فرهنگی دچار مسئله یا چالش شود آسیب فرهنگی رخ می دهد.

گستره ی مفهومی جهانی شدن.

جهانی شدن که یکی از مباحث جدید در حوزه علوم اجتماعی است در چند دهه اخیر بحث های فراوانی را به همراه داشته است. در این میان اثر مارشال مکلوهان رامیتوان دریاری رسانی عمومی شدن این مفهوم مؤثر دانست. «مک لوهان به عنوان یکی از نخستین اندیشمندان جهانی شدن مفهوم «دهکده جهانی» را با تجزیه و تحلیل تماشای اجتماعی حاصل از فناوری رسان های مطرح و در این مفهوم از به هم فشردگی زمان - مکان سخن به میان آورد که بعدها به وسیله آلون تافلر این به هم فشردگی ها، به طور واضحتر در کتابهای شوک آینده و موج سوم مورد بررسی قرار گرفت. سپس مقاله تئودور لویتز عنوان جهان ی شدن بازارها، اصطلاح «جهانی شدن» را در میان حوزه های مختلف اقتصادی و تجاری عمومی کرد» (کیم وبهاک ۲۰۰۸: ۳۰۱). بعد ها این اصطلاح در حوزه های دیگر نیز مصطلح شد. به دلیل اختلاف نظر میان پژوهشگران، ارائه تعریف جامع و مورد پذیرش عموم برای جهانی شدن بر سر ماهیت و ریشه ی آن بر سر ماهیت ریشه ی آن دشوار به نظر می رسد؛ به طوری که یکی از عمده ترین بحث های مربوط به جهانی شدن اختلاف نظر پیرامون ریشه و زمان آغاز این پدیده و یا به عبارت دیگر، قدیمی بودن یا نو بودن آن است. در حالی که برخی چون آنتونی گیدنز، والرایشتاین، کیم وباووک، جیمسون، اسکیلر و همفکران آنها جهانی شدن را پدیده ای مدرن تلقی می کنند و معتقدند که مدرنیته ذاتا جهانی گراست (گیدنز، ۱۹۹۱: ۶۳؛ کیم وبهاک ۳۰۱: ۲۰۰۸؛ والرایشتاین، ۱۹۷۹؛ اسکالر ۱۹۹۴)؛ رابرتسون، واترز و از جمله هلد معتقدند که جهانی شدن دارای تاریخ ما قبل مدرنیته است و حتی گاهی جهانی شدن



را در دوره‌های ماقبل تاریخ ریشه‌یابی می‌کنند. (وارتز؛ ۱۳-۱۳۷۹:۱۴، هلد، ۱۹۹۹؛ رابرتسون، ۱۹۶۲). گذشته از ریشه و زمان آغاز پدیده جهانی‌شدن، اختلاف نظرها بر سر پروژ یا پروسه بودن این پدیده است. جهانی شدن از دیدگاه پروسه‌ی یک روند طبیعی متکی بر فن‌آوری ارتباطات است. و از بعد پروژه‌ای حاکی از روند هدایت‌شده «آمریکایی کردن جهان» یا «آمریکا گرایی» است. (عاملی، ۱۷۰:۱۳۸۰).

علاوه بر اختلافات موجود پیرامون ریشه و ماهیت پدیده جهانی شدن، گوناگونی‌های دیگری نیز در این میان به چشم می‌خورد که مانع از ارائه تعریف جامع و مانع در این خصوص می‌شود؛ از آن جمله می‌توان به وجود نظریه‌ها و رهیافت‌های گوناگون اشاره کرد. بخش عمده رهیافت‌های نظری پیرامون جهانی شدن عبارتند از: رهیافت نظام‌های جهانی، رهیافت فرهنگ جهانی، رهیافت جامعه جهانی و رهیافت سرمایه‌داری جهانی (احمدی ۱۹-۱۳۸۱:۲۰). این رهیافت‌های چهارگانه هر یک بر زوایای خاص فرایند جهانی شدن تاکید می‌کنند بطوری که تفسیر آنها از قومیت، ملیت و هویت نیز با یکدیگر اختلاف نظر اساسی دارند. برخی بر ایجاد یک هویت جهانی واحد تاکید می‌ورزند و برخی بر مقاومت‌های هویتی در برابر فرهنگ جهانی ناشی از رشد فرایند جهانی شدن.

علاوه بر اختلاف بیان‌شده، دیدگاه‌های متفاوتی نیز نسبت به این موضوع وجود دارد: به سخن دیگر، کسانی که از ابعاد گوناگون اقتصادی و فرهنگی به پدیده جهانی شدن پرداخته‌اند، بنابه‌علاقه خود تعاریف گوناگونی برای آن ارائه داده‌اند. طرفداران دیدگاه اقتصادی، بیشتر مایل بوده‌اند که با تاکید بر فرایند جهانی شدن اقتصاد به تعریف این پدیده بپردازند. فریدمن به عنوان یکی از این طرفداران معتقد است «جهانی شدنی یعنی گسترش سرمایه‌داری بازار آزاد به اغلب کشورهای جهان» (فریدمن، ۲۰۰۰:۸). این نوع تعریف بخصوص در میان اندیشمندان رهیافت نظام جهانی یا سرمایه‌داری جهانی بیشتر به چشم می‌خورد (احمدی ۱۳۸۱:۱۵)؛ از طرف دیگر، دیدگاه فرهنگی نیز از اهمیت خاصی بویژه در میان اندیشمندان رهیافت فرهنگ جهانی برخوردار است (۱۳۸۱:۱۶). به عنوان مثال، رابرتسون جهانی شدن را تراکم جهان و تشدید آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل تلقی می‌کند (رابرتسون، ۱۹۹۲).

اندیشمندان دیدگاه فرهنگی در پی آن هستند که نشان دهند «چگونه فرایند جهانی شدن به فشردن، گستردن و تعمیق زمان-مکان برای مردم سراسر جهان دست می‌زند و به خلق بعضی شرایط برای یک جامعه جهانی می‌پردازد» (اسکلر، ۱۹۹۹:۱۵۴). به رغم آثار متعددی که در مورد مفهوم جهانی شدن وجود دارد، هنوز تعریف واحدی از این مفهوم انجام نگرفته و نزد صاحب‌نظران اجماعی در این باره دیده نمی‌شود و این مفهوم نیز همچون بسیاری از مفاهیم نظری با نوعی ابهام مواجه است؛ اما برای انجام تحقیقات کاربردی چاره‌ای جز دستیابی به برخی مشترکات تعاریف، وجود ندارد. در نگاه اجمالی به دیدگاه‌های مختلف در مورد جهانی شدن از جمله دیدگاه‌های اقتصادی و فرهنگی (گیدنز؛ ۱۹۹۱، فریدمن؛ ۲۰۰۰) و یا در برخورد با رهیافت‌های گوناگون که در این باره به بحث و بررسی نشسته‌اند، شاید تنها مشترکاتی که به صورت آشکار یا ضمنی به آن اشاره کرده‌اند به اعتراف به افزایش ارتباطات



در فرایند جهانی شدن باشد. اندیشمندانی از قبیل مک گرو، بایلیز، لگرین و اسمیت از جهانی شدن فیشتر به عنوان یک فرایند وابستگی و ارتباط متقابل روز افزون یاد می‌کنند (نونژاد ۱۳۸۴: ۱۹۲، ۴ و لگران، ۲۰۰۲: ۹؛ ۱۹۹۲: ۶۵). این اتفاق نظر در خصوص افزایش ارتباطات در فرایند جهانی شدن، این موضوع را به ما یادآوری می‌کند که در پرتو جهانی شدن سطح ارتباطات، این مکان که مقوله های هویتی نیز گسترش جهانی بیابد و تاثیر گذاری و تاثیر پذیری این مقوله ها در یک گستره جهانی مطرح شود، بسیار است. این گسترش جهانی نیز به نوبه خود میتواند به ایجاد یک هویت جهانی بینجامد (قریشی، ۴۳-۴۴: ۳۸۱).

اهداف و ویژگیهای جهانی شدن

جهانی شدن مانند هر پدیده اجتماعی از لحاظ شکل، ماهیت و محتوی دارای ویژگی ها و شاخصه های متفاوت و بعضاً متضادی است. به طور کلی جهانی شدن حایز دو رویکرد ایدئولوژیکی و تکنولوژیکی است. از رویکرد ایدئولوژیکی، رابطه جهانی شدن و حکومت جهانی اسلام، با توجه به قرائت های صورت گرفته با اختلافات مبنایی همراه بوده و از نظر تکنولوژیکی، با نوعی عدم تعارض و همراه است. به عبارت دیگر از این دو رویکرد جهانی شدن بین تعارض کامل و انطباق کامل در نوسان است. با متمایز سازی دو رویکرد، به نظر می رسد که جهان ی شدن به لحاظ ذاتی و از نظر ماهوی فرآیندی تاریخی است که بر بنیان توسعه و پیشرفت خیره کننده تکنولوژی ارتباطی و اطلاعاتی شکل گرفته است بنابراین جهانی شدن ظرف بی مظروفی است که هر جمع و جماعتی می تواند مظروف خود را در درون آن به دیگران عرضه نمایند؛ هر چند امروزه حجم بیشتر این ظرف را آموزه های لیبرال دموکراسی غربی به خود اختصاص داده است، در پرتو تحولات شگرف و دستیابی به قالب و الگوهای جدید ظرفیت تبیین و پیش بینی از روند حوادث و تکانه های شدید و بحران ساز آینده تغییر کرده است ابعاد مختلف جهانی شدن برحسب میزان حمایت یا مقاومت هایی که با آن مواجه می شود (طالبی، خجسته فرد، ۱۴۰۳: ۶۳). بنابراین، جوامع دینی نیز این فرصت را دارند تا در سایه تفکر جهانی شدن، گذشته از تهدیدهای آن، با استفاده از منطق گفتمانی قوی و توانمندی ها و ظرفیت های تعالیم دینی، با تبیین تفکر اندیشه امت واحد جهانی و ام القری اسلامی به جای دهکده جهانی، جوامع جویای علالت را سیراب سازند؛ اما ظرف انتقال دهنده این مشروب، جهانی شدن می باشد. در مورد ماهیت و ویژگی های جهانی شدن، اتفاق نظری وجود ندارد. احتمال این امر تا حدی طبیعی است؛ زیرا با پدیده های روبه رو هستیم که در حال تکوین و شدن است و هنوز به بودن نرسیده تا توصیف و شرح جامعی از آن ارائه کنیم. صرف نظر از تفاوت های لفظی و گاه ماهوی در تعریف جهانی شدن، از میان تعاریف گوناگون، میتوان این نکته را به عنوان مخرج مشترک کلیه تعاریف برگزید که جهانی شدن، چه به عنوان یک پروسه یا پروژه، بیانگر وضعیتی است که در درون آن، ارتباطات متقابل، وابستگی متقابل و تأثیرگذاری متقابل به شکل فزاینده ای رشد یافته است، به گونه ای که شعاع اثرگذاری رفتار واحدهای سیاسی از مرزهای ملی عبور کرده، دورترین واحدها را تحت تأثیر قرار می دهد منطقه ای روبه رو خواهد گشت.



۱. انقلاب چهل‌ساله و گام بزرگ دوم

مقام معظم رهبری در دهه چهارم انقلاب اسلامی در مانیفستی تحت عنوان بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ضرورت شکل‌گیری تغییرات اساسی و توصیه‌هایی در اخلاق، اقتصاد، عدالت، مبارزه با فساد و عوامل شکل‌گیری تغییراتی مانند توانمندسازی نیروی انسانی در مواجهه با تهاجم نرم را به عنوان نقشه راه در پیاده‌سازی طرح تمدن اسلامی بیان کرده است (طالبی، موسوی زاده، ۱۴۰۲: ۱۷۳).

جوانان عزیز! اینها بخشی محدود از سرفصل‌های عمده در سرگذشت چهل‌ساله‌ی انقلاب اسلامی است؛ انقلاب عظیم و پایدار و درخشانی که شما به توفیق الهی باید گام بزرگ دوم را در پیش‌برد آن بردارید. محصول تلاش چهل‌ساله، اکنون برابر چشم ما است: کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، باعزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گران‌بها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفت‌های علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانش‌ها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد، و بسی و ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه‌ی جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است. و بدانید که اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل‌ساله نمی‌بود - که متأسفانه بود و خسارت‌بار هم بود - بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این، بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمان‌های بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی‌داشت.

۲. اقتدار انقلاب اسلامی و تغییر چالش‌ها و شکست مستکبران

ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالش‌های مستکبران روبه‌رو است اما با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه‌ی جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نام‌شروع آمریکا از منطقه‌ی غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته‌ی حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است. و اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته‌ی ایرانی به نیروهای مقاومت است. و اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملت ایران فائق آید، امروز برای مقابله‌ی سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب می‌بیند و البته باز هم در رویارویی، شکست می‌خورد. ایران به برکت انقلاب، اکنون در جایگاهی متعالی و شایسته‌ی ملت ایران در چشم جهانیان و عبورکرده از بسی گردنه‌های دشوار در مسائل اساسی خویش است.



۳. جوانان؛ محور تحقق نظام پیشرفتهی اسلامی

اما راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمانهای بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدانهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفتهی اسلامی بسازند.

۴. نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی؛ مهم‌ترین ظرفیت امید بخش کشور

نکته‌ی مهمی که باید آینده‌سازان در نظر داشته باشند، آن است که در کشوری زندگی می‌کنند که از نظر ظرفیت‌های طبیعی و انسانی، کم‌ظئیر است و بسیاری از این ظرفیت‌ها با غفلت دست‌اندرکاران تاکنون بی‌استفاده یا کم‌استفاده مانده است. همت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، خواهند توانست آنها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند. مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر ۴۰ سال که بخش مهمی از آن نتیجه‌ی موج جمعیتی ایجاد شده در دهه‌ی ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه‌ی ۱۵ و ۴۰ سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه‌ی دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه‌ی انقلابی رشد کرده و آماده‌ی تلاش جهادی برای کشورند، و جمع چشم‌گیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ اینها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته‌ی مادی با آن قابل مقایسه نخواهد بود.

۵. فهرست طولانی فرصت‌های مادی کشور

علاوه بر موارد مذکور، فرصت‌های مادی کشور نیز فهرستی طولانی را تشکیل می‌دهد که مدیران کارآمد و پُرانگیزه و خردمند می‌توانند با فعال کردن و بهره‌گیری از آن، درآمدهای ملی را با جهشی نمایان افزایش داده و کشور را ثروتمند و بی‌نیاز و به معنی واقعی دارای اعتمادبه‌نفس کنند و مشکلات کنونی را برطرف نمایند. ایران با دارا بودن یک در صد جمعیت جهان، دارای ۷ در صد ذخایر معدنی جهان است: منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنائی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصل‌خیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع، بخش‌هایی از ظرفیت‌های کشور است؛ بسیاری از ظرفیت‌ها دست‌نخورده مانده است. گفته شده است که ایران از نظر ظرفیت‌های استفاده‌نشده‌ی طبیعی و انسانی در رتبه‌ی اول جهان است. بی‌شک شما جوانان مؤمن و پُر تلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید. دهه‌ی دوم چشم‌انداز، باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیت‌های استفاده‌نشده باشد و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملی ارتقاء یابد.



۶. گام دوم و سرفصل‌ها و توصیه‌های اساسی در پرتو امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده

اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی می‌کنم. این سرفصل‌ها عبارتند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی.

اما پیش از همه‌چیز، نخستین توصیه من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جست‌ام، اما خود و همه را از نومی‌دی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر میدارم. در طول این چهل سال - اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه‌نشان دادن واقعیتها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک‌نشان دادن یا انکار محسّنات بزرگ، برنامه‌ی همیشگی هزاران رسانه‌ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره‌ی تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومی‌دی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است. نشانه‌های امیدبخش - که به برخی از آنها اشاره شد - در برابر چشم شما است. رویش‌های انقلاب بسی فراتر از ریزش‌ها است و دست‌ودل‌های امین و خدمت‌گزار، به مراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام می‌نگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.

و اما توصیه‌ها:

• (علم و پژوهش

دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دو‌یست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیانهای اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوانان چشمتی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم. بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهان بالاتر است. اکنون نزدیک به دو دهه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیرکننده بود - یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان - به پیش رفته است. دستاوردهای دانش و فناوری ما در این مدت که ما را به رتبه‌ی شانزدهم در میان بیش از دو‌یست کشور جهان رسانید و مایه‌ی شگفتی ناظران جهانی شد و در برخی از رشته‌های حساس و نوپدید به رتبه‌های نخستین ارتقاء داد، همه‌وهمه در حالی



اتفاق افتاده که کشور دچار تحریم مالی و تحریم علمی بوده است. ما با وجود شنا در جهت مخالف جریان دشمن ساز، به رکوردهای بزرگ دست یافته‌ایم و این نعمت بزرگی است که به خاطر آن باید روز و شب خدا را سپاس گفت.

اما آنچه من می‌خواهم بگویم این است که این راه طی شده، با همه‌ی اهمیتش فقط یک آغاز بوده است و نه بیشتر. ما هنوز از قلّه‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قلّه‌ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم. ما از این مرحله هنوز بسیار عقبیم؛ ما از صفر شروع کرده‌ایم. عقب‌ماندگی شرم‌آور علمی در دوران پهلوی‌ها و قاجارها در هنگامی که مسابقه‌ی علمی دنیا تازه شروع شده بود، ضربه‌ی سختی بر ما وارد کرده و ما را از این کاروان شتابان، فرسنگها عقب نگه داشته بود. ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم ولی این شتاب باید سالها با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب‌افتادگی جبران شود. اینجانب همواره به دانشگاه‌ها و دانشگاہیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده‌ام، ولی اینک مطالبه‌ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما بشدت بیمناک است ناکام سازید.

• (معنویت و اخلاق

معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکتها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومتها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومتها نمیتوانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانونهای ضد معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند.

ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانونهای ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد. و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره‌ی پیش‌رو باید در این باره برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود؛ ان شاء الله.



• (اقتصاد

اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدفها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقلاً کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، و توزیع عدالت‌محور، و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف، و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سالهای اخیر از سوی اینجانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به‌خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد میتواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد.

انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و و سوءسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعفهای مدیریتی است. مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخشهایی از اقتصاد که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده‌ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاستهای اجرائی اقتصاد و عدم رعایت اولویتها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخشهایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه‌ی اینها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوانها، فقر درآمدی در طبقه‌ی ضعیف و امثال آن است. راه‌حل این مشکلات، سیاستهای اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرائی برای همه‌ی بخشهای آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، موکد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدیگری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیتهایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخشهای مهم این راه‌حل‌ها است. بی‌گمان یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد.

جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه‌ی راه‌حل‌ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه‌حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه‌ی گرگ است» خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر میشود، اما منشأ آن، کانونهای فکر و توطئه‌ی خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القاء می‌شود.

• (عدالت و مبارزه با فساد



این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظامها و اگر در بدنه‌ی حکومتها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبانی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظامها است. وسوسه‌ی مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) کسانی را لغزند، پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد انقلابی و ساده‌زیستی میدادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب میکند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به‌معنای واقعی با فساد مبارزه کند، بویژه در درون دستگاه‌های حکومتی.

البته نسبت فساد در میان کارگزاران حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر و بخصوص با رژیم طاغوت که سرتاپا فساد و فسادپرور بود، بسی کمتر است و بحمدالله مأموران این نظام غالباً سلامت خود را نگاه داشته‌اند، ولی حتی آنچه هست غیر قابل قبول است. همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه‌ی مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطان حرص برحذر باشند و از لقمه‌ی حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند و دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه‌ی فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند. این مبارزه نیازمند انسنانهایی باایمان و جهادگر، و منبع الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است. این مبارزه بخش اثرگذاری است از تلاش همه‌جانبه‌ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کار برد.

عدالت در صدر هدف‌های اولیه‌ی همه‌ی بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدس در همه‌ی زمانها و سرزمین‌ها است و به‌صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی‌عصر (ارواحنافداه) میسر نخواهد شد ولی به‌صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده‌ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است. جمهوری اسلامی ایران در این راه گام‌های بلندی برداشته است که قبلاً بدان اشاره‌ای کوتاه رفت؛ و البته در توضیح و تشریح آن باید کارهای بیشتری صورت گیرد و توطئه‌ی واژگونه‌نمایی و لاقط سکوت و پنهان‌سازی که اکنون برنامه‌ی جدی دشمنان انقلاب است، خشتی گردد.

با این همه، اینجانب به جوانان عزیزی که آینده‌ی کشور، چشم‌انتظار آنها است صریحاً می‌گویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید میشده و بشود، دارای فاصله‌ی ژرف است. در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی بشدت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، بشدت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به‌هیچ‌رو مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاستها و قوانین، بارها



تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته‌ی آن، چشم امید به شما جوانها است؛ و اگر زمام اداری بخشهای گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمدالله کم نیستند- سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ ان شاءالله.

• (استقلال و آزادی

استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرتهای سلطه‌گر جهان است. و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله‌ی ارزشهای اسلامی‌اند و این هر دو عطیه‌ی الهی به انسانهاست و هیچ کدام تفضّل حکومتها به مردم نیستند. حکومتها موظف به تأمین این دو‌اند. منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیشتر میدانند که برای آن جنگیده‌اند. ملت ایران با جهاد چهل‌ساله‌ی خود از جمله‌ی آنها است. استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دستاورد، بلکه خون‌آورد صد‌ها هزار انسان والا و شجاع و فداکار است؛ غالباً جوان، ولی همه در رتبه‌های رفیع انسانیت. این ثمر شجره‌ی طیبه‌ی انقلاب را با تأویل و توجیه‌های ساده‌لوحانه و بعضاً مغرضانه، نمیتوان در خطر قرار داد. همه -مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی- موظف به حراست از آن با همه‌ی وجودند. بدیهی است که «استقلال» نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود، و «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزشهای الهی و حقوق عمومی تعریف شود.

• (عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن

این هر سه، شاخه‌هایی از اصل «عزت، حکمت، و مصلحت» در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه‌ی جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه‌ی ظهورند: تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه.

اینها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید. سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ پیشنهادهای آنها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولتهای اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیر قابل اعتماد میدانند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها با دقت حفظ کند؛ از ارزشهای انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه‌حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حلّ خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حلّ هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت.

• (سبک زندگی سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرستی دیگر وامیگذارم و به همین جمله اکتفا میکنم که تلاش

غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیانهای بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد.



۷. مباحثه جهانی شدن

- جهانی شدن یک امر محتوم و یک فرآیند طبیعی است.

برخی صاحب نظران جهانی شدن را نتیجه و محتوم و در بسیاری وجوه مطلوب پیش رفت های بشری (خصوصاً در عرصه ی فن آوری های اطلاعاتی و ارتباطی) می دانند و از تبدیل جامعه ی متکثر و بزرگ جهانی به دهکده ای سخن می گویند که همه ساکنانش به آسانی با هم ارتباط دارند و همه از یک سری قوانین و آداب پیروی می کنند و یک الگو و شیوه برای زندگی دارند و یک فرهنگ و یک حاکمیت، و یک سرنوشت. دهکده ای که در آن دیگر مرز بندی های جغرافیایی و اقتصادی و سیاسی و نژادی افراد را از هم جدا و دور نمی سازد و در آن دیگر خبری از تکثر و تنوع در فرهنگ و روش زیست نیست. و این آینده محتوم و گریز ناپذیر در انتظار همه ملت ها و اقوام و فرهنگ های مختلف است. آینده ای که تنها می توان در راستای تعجیل و تحکیم آن و سرعت گرفتن شتابان تر چرخ های پیش برنده به سوی آن نقش آفرینی کرد. این میان هر که بتواند زودتر و موثرتر با اقتضائات و مختصات این آینده کنار آید و خود را برای پذیرفتن آن مهیاتر سازد، پیروز تر و کام روا تر است. قایلین به چنین باوری را به سه دسته می توان تقسیم کرد:

اول- کسانی که جهانی شدن را امری طبیعی و محتوم و در این حال مطلوب می پندارند و بر لزوم زمینه سازی و فراهم آوردن بسترهای لازم برای پیشروی بیش تر این روند پا می فشارند به باور اینان جهانی شدن در راستای بهبود وضعیت حیات بشریت و فرصت های بهینه ی نوینی را برای مردم کشورهای مختلف خصوصاً کشورهای فقیر و توسعه نیافته فراهم می آورد تا از وضعیت نامطلوب زندگی فعلی خود برهند و به برکت گسترش فن آوری ها و زندگی مدرن برسفره ی رفاه عمومی بنشینند.

دوم- کسانی که این آینده را محتوم و طبیعی می دانند اما با نگاهی بدبینانه نتایج آن را ارزیابی می کنند و اضمحلال فرهنگ های مختلف و دولت-ملت ها در دنباله ی این روند سخن می گویند.

سوم- کسانی که در اعتقاد به طبیعی بودن و گریزناپذیری این روند با دو دسته ی پیش هم قول اند. اما این خصایص را نه کاملاً مطلوب و نه کاملاً نامطلوب، بلکه واجد وجوهی مثبت و در مقابل وجوهی منفی می دانند. به عبارتی دیگر معتقدند جهانی شدن فرصت هایی بدیع برای بشر به ارمغان می آورد و امکاناتی وسیع در اختیار او قرار می دهد، منتها در مقابل برخی داشته ها و نعمات را هم لاجرم از او می ستاند. و این نه فقط خلصت جهانی شدن، که اساساً خاصیت مدرنیت است. از جمله صاحب نظرانی که می توان ذیل این رویکرد نام برد، آنتونی گیدنز است (ن.ک. گیدنز ۱۳۸۴)

- جهانی شدن یک پروژه ی ائدولوژیک غربی است.

اما در مقابل دسته ی اول که چنان چه گفته شد و علی رغم تفاوت تحلیل ها، در طبیعی و محتوم دانستن جهانی شدن باهم مشترک بودند، دسته ی دیگر اساساً به مدیریت کلیت روند تغییرات مذکور معتقدند و به جای جهانی شدن آن را جهانی سازی و گاه غربی سازی حتی آمریکایی سازی می دانند.



بدین معنا که تغییرات را به مثابه پروژه ای می دانند که دنیا غرب آن را با هدف بسط و تعمیق نفوذ و تغلب و سیطره ی خود بر همه ی جهان و در جمیع وجوه اقتصادی و فرهنگی و سیاسی کلید زده و دنبال می کند. پروژه ای که ادامه ی آن در وضع حاضر فرجامی جز نابودی فرهنگ ها و تمدن های غیر غربی و جانشینی و سیطره ی جهانی فرهنگ غربی نخواهد داشت و در نهایت جهان را آن گونه که دنیای غرب و قدرت های بزرگ جهانی می خواهند رقم خواهد زد. قایلین به رویکرد را هم می توان بهسه دسته کلی تقسیم کرد:

یک دسته موافقان جهانی شدن و این پروژه هستند که با رویکرد ایدئولوژیک به برتری و مطلوبیت ارزش های غربی باور دارند و از لزوم گسترش و نهادینه شدن این ارزش ها در همه ی جهان و از بین رفتن ارزش های معارض پا می فشرند و معتقدند جهان غرب باید با بهره گیری از فن آوری مدرن و چشم اندازهای بدیعی که این فن آوری در مقابل دیدگان او قرار داده و فرصت های نوینی که پدید آورده، ایدئولوژی خود را جهانی کند و با ارزشهای غرب و آمریکایی بسازد. از جمله قایلین به این نظر می تواند از ساموئل هانتینگتون فرانسیس فوکویاما، زیگنو برژینسکی (که جملهگی از نظریه پردازان موثر در سیاست خارجی ایالات متحده هستند) نام برد (ر.ک. برگر ۱۳۸۳)

دسته دوم آن هایی هستند که معتقدند این پروژه ره به خطا می برد و بنابراین باید مقابل آن ایستاد و جریان شتابنده ی آن را متوقف ساخت. روشن است که این رویکرد متضمن این پیش فرض است که روند جهانی شدن محتوم و گریز ناپذیر نیست و می توان به مقابله با آن برخاست. نمود عینی این رویکرد را در جنبش های ضد جهانی که خصوصا در کشورهای توسعه یافته هوداران قابل توجهی دارد جست. هودارانی که عمدتا با استفاده از روش های اعتراضی نرم مثل راهپیمایی، تحصن، میتینگ، تبلیغات نمادین خصوصا در زمان و مکان های برگزاری نشست های نهادی موثر در این روند مثل بانک جهانی، ناتو، سازمان تجارت جهانی و... سعی در ترویج افکار و اعتقادات مخالف با جهانی شدن خود دارند. از جمله صاحب نظرانی که کمابیش ذیل این رویکرد می گنجد می توان به سرژلانتوش، شارلوت برترتن، پل سوییزی، نوام چامسکی، جوزف استیگلینز و در جهان اسلام به سید نصر، حسن حنفی، احمد حسین امین و محمد قطب (برادر سید قطب) اشاره کرد. (صداقت ثمر حسینی ۱۳۸۸، قطب ۱۳۸۷، گلشنی ۱۳۸۷، نصر ۱۳۸۶)

دسته سوم قایلین به پروژه ی غربی بودن جهانی شدن گرچه مانند دسته ی پیش رویکرد منفی به جهانی شدن دارند اما به خلاف ایشان این موضع شان منفعلان است. اینان معتقدند با توجه به قدرت بی بدی و تسلط انحصاری قدرت ها و کشورهای غربی به فن آوری های نوین و مدرن، شکافی غیر قابل پر کردن میان دیگر ملل و جهان غرب وجود دارد که هر گونه امکان رقابت و دفاع موثر را از آنها می گیرد. قایلان به این نظر، بسته به رویکردی هایی که اتخاذ می کنند خود لا اقل دو دسته را با رویکرد شامل می شوند:



رویکرد نفی-تخریب: این دسته معتقدند در مقام نفی و طرد و مبارزه با روند پر شتاب جهانی شدن باید موضعی تهاجمی و تخریبی داشت و حالا که نمی توان جلوی این روند را گرفت، باید با انجام اقداماتی گرچه کوچک اما با نتایج کاری، ضربه هایی را بر پیکر پیش برندگان این روند وارد ساخت و استمرار این پروژه را لاقط تا حد توان با اختلال مواجهه ساخت. چونان رزمنده هایی که می دانند شهر به زودی سقوط خواهد کرد، اما با انجام عملیات های تخریبی و مزاحمت ساز تنها سعی می کنند این سقوط را به عقب بیندازند. جالب آن است که این دسته اتفاقاً مجبور می شوند از ابزارهای مدرن برای ضربه زدن به این روند بهره گیرند. از این رو معمولاً دانش اطلاعاتی و ابزار خوبی نسبت به برخی فن آوری ها کسب می کنند. اما از این دانش مدرن بر علیه خود دنیای مدرن استفاده می کنند به عنوان مثال واقعه ۱۱ سپتامبر را-لاقل طبق یکی از روایت های مشهور درباره ی آن می توان نماد و نشانه ای از این رویکرد دانست؛ این که یک گروه بنیاد گرا و مخالف دنیای مدرن و جهان غرب، با یک ابزار مدرن یعنی هواپیما به برج دو قلوی سازمان تجارت جهانی به عنوان نماد اصلی دنیای سرمایه داری غرب حمله می برد.

رویکرد نفی-مقاومت: این دسته مشابه دسته قبل معتقدند که نمی توانند برابر روند شتابان جهانی سازی چندان تاب آورد یا به کلی آن را با مانع مواجه ساخت ولی این دلیل نمی شود که وقتی چنین آینده ای محتوم است، به استقبال آن برویم و خود تحقق آن را جلو بیندازیم بنابراین تنها کاری که می توان کرد این است که تمام نیروهای خود را بسیج کنیم تا زمان تحقق کامل این روند را به تعویق بیندازیم. مثلاً می دانیم که در امتداد پیشرفت های روز افزون در امر پخش، در آینده ای که دور نیست امواج ماهواره ها در سراسر جهان با آنتن های معمولی ابل دریافت است و هیچ مانع ورداعی مثل پارازیت را یارای سد کردن این ارتباط نخواهد بود در چنین وضعیتی نسخه ای که قایلین به این رویکرد (با پیش فرض مضر بودن آزادی ماهواره) می پیچند این است که تا رسیدن آن روز باید ماهواره را ممنوع اعلام کرد و با تمام امکانات بر سر راه دریافت آن مانع ایجاد نمود

- جهانی شدن یک روند قابل مدیریت است

اما به موازات دو دسته و رویکرد کلی پیش، یک تبیین و نظر دیگر از فرآیند جهانی شدن وجود دارد که معتقد است فارغ از آن عاملیت جهان غرب در ظهور و استمرار و مدیریت روند جهانی شدن چه میزان بوده است و این روند یک پروژه یا پروسه طبیعی است یا ساختگی، غربی است یا جهانی مطلوب است یا نا مطلوب، موارد دیگر، مساله اینجاست که ما یک جهانی شدن منحصر به فرد و واحد مواجه نیستیم، بلکه با چند جهانی شدن مواجه ایم (یا می توانیم باشیم) و فن آوری های مدرن قابلیت را در اختیار همگان حتی غیر غربی ها قرار داده است که می توان با بهره گیری از آنها در این روند نقشی موثر ایفا کرد و حتی به آن جهت داد یا مسیرش را اصلاح کرد. به دیگر سخن این روندی است در حال وقوع. و به جای نشستن و زانو غم بغل کردن و آینده تیره و تاری که به دنبال خواهد آورد، و به جای تخریب و تهاجم طرد و نفی مطلق آن، معقول آن است که در عرصه را شناخت و وارد میدان شد و به شکلی موثر ایفای کرد. بنابراین آینده این پروسه یا پروژه می تواند غربی سازی جهان نباشد یا به طور مطلق این نباشد. می تواند به اضمحلال فرهنگ ها و تمدن های خرد در یک نظام جهانی کلان و کلی نینجامد؛ بلکه شکلی دیگر و نوین از حکومت های



محلی را زمینه ساز شود. می تواند به انحطاط اخلاقی و افول ادیان و ارزش های منتهی نشود، بلکه به عکس این ارزش ها و اخلاقیات را جهانی سازد و چشم اندازهایی بدیع و وسیع پیش دیدگان معنا گرایان و اخلاق گرایان بگشاید و در نهایت می تواند ه جای افول و سقوط بشر راهی به کمال اوباز کند.

این همه محتمل است به شرط آن که کوششی مضاعف عقب ماندگی چندین ساله از قافله ی پیشرفت در فن آوری ها را پشت سر بگذاریم و به جای تابع دیگران و قدرت های بزرگ بودن خود سهمی ویژه رادر تصمیم سازی برای آینده ی جهان کسب کنیم. سهمی که کسب آن با زور میسر نیست و تنها در گرو میزان تسلط و شناختی است که به این فرآیند و ابزارها و فن آوری های مدرن داریم. کشور های چین و مالزی- کشورهای مسلمان- که خصوصاً در دو سه دهه اخیر در مناسبات اقتصادی جهان رشد چشم گیری داشته اند نشان می دهد که پیش فرض های این رویکرد تحقق پذیر است و خیالی و آرمانی نیست. در بین صاحب نظران و متفکران جهان اسلام بسیاری را می توان یافت که ذیل قایلین به این گزاره می گنجد، از جمله مهاتیر محمد، سید محمد حسین فضل الله و یوسف قرضاوی (صداقت ثمر حسینی ۱۳۸۸، گلشنی ۱۳۸۷).

ظرفیت های بارز انقلاب اسلامی ایران برای جهانی شدن

یکی از مهمترین و بارزترین ظرفیتهای انقلاب اسلامی ایران، بُعد ایدئولوژی آن است که با استفاده از آیات و روایات، ویژگی هایی ذاتی را در خود ایجاد کرده که باعث استقبال محرومان جهان حتی غیرمسلمانان و باعث رهایی از زیر یوغ استکبار شده است. سه ویژگی مظلوم یآوری، استکبارستیزی و عدالت محوری نموده های بارز ظرفیت ایدئولوژی انقلاب اسلامی است که امامین انقلاب اسلامی همواره در بیانات و سیره عملی خودشان به این سه ویژگی تأکید داشته و دارند و یکی از امتیازات انقلاب اسلامی ایران در مقایسه با سایر انقلاب های جهانی، ویژگی های یاد شده را قلمداد می کنند. پرواضح است که خواسته دل مستضعفان، محرومان و مظلومان جهان نیز چیزی غیر از سه ویژگی یاد شده نیست و همین امر باعث نفوذ تفکرات انقلابی ایران و دستاوردهای آن در قلب ملتهای جهان شده است و از آنجایی که این ظرفیت ها از یک کشور شیعی که شروع و تداوم و استمرار انقلابش با تمسک به آموزه های اسلام ناب محمدی صورت گرفته، خود به خود آنان را به عنوان مخاطبین مکتب شیعه نموده است؛ هر چند تأثیر و نمود عینی این تفکر طی یک پروسه زمانی طولانی مدت باشد که همینطور بوده و در حال حاضر تحت عنوان بیداری اسلامی به عینیت رسیده است (جوادی، ۱۳۹۷: ۱۲۰).

نتیجه گیری:

مطابق آنچه در این مطالعه تحقیقاتی بیان گردید؛ بجاست جمهوری اسلامی ایران برای تدوین و اجرای کارآمدتر سیاست گذاری داخلی و خارجی خود رویکردهای زیر را مدنظر قرار دهد:

✓ برقراری ارتباط سازنده بین دستگاه سیاست خارجی و سایر دستگاه های اقتصادی و تجاری کشور و ایجاد هماهنگی بین این نهادها با درک این امر که در جهان امروز تکنولوژی های اطلاعاتی -- ارتباطاتی از عوامل توسعه و گسترش نوآوری،



خلاقیت، کارآفرینی، و تیزهوشی در سطح اقتصادی و بازار می‌باشند که بیش از گذشته منابع قدرت عمومی و توانمندی‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور محسوب می‌گردند. لذا در فرایند جهانی شدن اقتصاد، که رقابت آزاد اقتصادی به سرعت و به شدت از توسعه تکنولوژی و سیستم‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی بهره‌مند می‌گردد، هر گونه فعالیت اقتصادی در درون مرزهای بسته ملی کاری مشکل یا حتی غیرممکن محسوب می‌شود. در سیاستگذاری داخلی، بهبود عملکرد اقتصاد کشور به رعایت قواعد حکمرانی خوب بستگی دارد.

✓ بر اساس معیارهای شناخته‌شده بین‌المللی، مشارکت مردم در تصمیمات دولت، پاسخگو بودن دولت در قبال مردم، تأمین ثبات سیاسی کشور، بهبود میزان اثربخشی حکومت، بهبود کیفیت مقررات برای تنظیم امور اقتصادی، رعایت قانون توسط دولتمردان و مردم و کنترل فساد مهم‌ترین شاخص‌های حکمرانی خوب به‌شمار می‌روند. همچنین به موجب سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور در دو دهه بعد «ایران کشوری است توسعه‌یافته، با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه... و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل»؛ دولتی که در جهت تحقق اهداف چنین چشم‌اندازی می‌کو شد، باید دولتی پای‌بند به اصول حکمرانی خوب باشد. دولت نهم در این زمینه وظیفه سنگینی بر عهده دارد. هر چند این دولت نسبت به عملکرد دولت‌های سابق انتقادهایی دارد، خود باید در جهت رسیدن به اصول حکمرانی خوب تلاش‌های وافر انجام دهد.

پیامد ها:

- خلا معنوی و شکل‌گیری ادیان و فرقه‌های گوناگون: جامعه امروز بازگشت به معنویت را پیشه کرده است، مثل دلایی لاما-مونها و... بازگشت به معنویت در فطرت همه‌ی انسان‌ها وجود دارد اما نماد هایش فرق می‌کند.
- از دست رفتن هویت‌های فردی و جایگزینی هویت‌های چندگانه: هویت که در جهان سستی اساسیات و تداوم جوامع است، در عصر جهانی شدن از بین رفتن و ترکیبی از رهایی و اضطراب را بوجود آورده است (اگر بخواهیم در عرصه جهانی شدن بمانیم باید هویت خود را حفظ کنیم). (هویت‌سازی مهم است، هویت فرهنگی چسب حرکت جامعه است)
- انقلاب ارتباطی: جهانی شدن زمان و مکان را سرعت می‌بخشد. از طرفی شبکه‌های ماهواره‌ای رابطه بین هر نقطه از زمین را به نقطه دیگر بدون مداخله زمان برقرار می‌کند. از طرف دیگر مجازی‌سازی دیوارهای زمان و مکان فرو ریخته است. امروز زمان بدون مداخله تاریخ است. در عصر انقلاب ارتباطی مفهوم **Local** تبدیل به **Global** شده است.
- ظهور رابطه‌ی نوین بین انسان و ماشین: اصلی‌ترین وسیله ارتباطی قبل از عصر انقلاب ارتباطی صدا **noise** بود اما امروز به تصویر **face** تبدیل شده است.
- روند سکولاریزه شدن جوامع



- جهانی شدن به فرسایش اهمیت تمایز های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سرعت می دهد یعنی بدنبال یکپارچه سازی در کلیه عرصه ها می باشد.
- جهانی شدن به گسترش فقر و افزایش شکاف فقیر و غنی در دنیا، منجر گردیده است: شکاف میان کشورهای توسعه یافته و نیافته هر وز افزون تر می شود. به عنوان مثال فاصله میان پنجمین ثروتمند دنیا به پنجمین کشور فقیر دنیا در سال ۱۹۶۰ نسبت یک به یک بود. در سال ۱۹۹۰ این شکاف به نسبت یک به شصت افزایش یافت (کشور ثروتمند ۶۰ برابر کشور فقیر درآمد سرانه دارد).
- لذا پیامد های اینترنت در عصر جهانی شدن (مطابق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی) عبارتست از:
 - اینترنت حضور بی واسطه جای خود را به حضور با واسطه داده است.
 - ابزار سرگرمی و تفنن است (بحث اوقات فراغت از مسائل مهم شهر نشینی است).
 - ابزار برای تجارت (در نور دیدن مرز های تجارتي جهان)
 - ابزاری برای کاهش وقت، هزینه و صرفه جویی در عرصه های زندگی بشری
- گسترش پهنه ی آموزش و پژوهش: اینترنت باعث انقلاب در آموزش شده و دسترسی آسان به تحولات علمی، پژوهشی، آموزشی را مقدور کرده است.
- بزرگراه اطلاعاتی جهانی: از چالش های آن غرق شدگی در اطلاعات است. (عصر انفجار اطلاعات) باعث سرگردانی - انحرافی و در نهایت عدم نتیجه گیری لازم می شود. همچنین شایان ذکر است سطحی نگری جهانی شدن از تهدیدات اینترنت می باشد.



منابع

- ۱- احمدی، حمید (۱۳۹۰)، بنیادهای هویت ملی ایرانی: چارچوب نظری هویت ملی شهروندمحور، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
 - ۲- بیژنی، علی، یوسف پور، احمد، (۱۳۹۹)، انقلاب اسلامی ایران، نقشه راه جهان گرایی در اندیشه سیاسی امام خمینی ره، فصلنامه علمی جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، دوره ۱، شماره ۱.
 - ۳- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۰)، فرهنگ و هویت ایران ی و جهانی شدن، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
 - ۴- زارعی، آرمان (۱۳۸۸)، تاثیر جهانی شدن بر فرهنگ سیاسی ایران (۱۳۶۸-۱۳۸۴)، تهران: انتشارات باز.
 - ۵- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثالثی، تهران: نشر مرکز.
 - ۶- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، تجدد و تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، مترجم، ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
 - ۷- واترز، مالکوم (۱۳۸۳)، بومی و جهانی، جهانی شدن و قومیت، ترجمه بهزاد برکت، فصلنامه ارغنون، شماره ۲۴.
 - ۸- رابرتسون، رونالد (۱۳۸۲)، جهانی شدن، تئوری های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر ثالث.
 - ۹- غفاری هشتجین، زاهد، نیکونهاد، ایوب (۱۳۹۸)، تحلیل آینده نگارانه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، دوفصلنامه علمی دانش سیاسی، سال ۱۶، شماره ۲.
 - ۱۰- مولائی، مرتضی (۱۴۰۰)، بیانیه گام دوم انقلاب، منشور مهدویت و زمینه ساز تحقق تمدن نوین اسلامی، فصلنامه رهیافت های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۲.
 - ۱۱- نادمی، داوود، (۱۳۸۸)، دیدگاه های موافقان و مخالفان جهانی شدن، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۶.
 - ۱۲- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۰)، فرهنگ و هویت ایران ی و جهانی شدن، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
 - ۱۳- زارعی، آرمان (۱۳۸۸)، تاثیر جهانی شدن بر فرهنگ سیاسی ایران (۱۳۶۸-۱۳۸۴)، تهران: انتشارات باز.
 - ۱۴- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثالثی، تهران: نشر مرکز.
 - ۱۵- واترز، مالکوم (۱۳۸۳)، بومی و جهانی، جهانی شدن و قومیت، ترجمه بهزاد برکت، فصلنامه ارغنون، شماره ۲۴.
 - ۱۶- رابرتسون، رونالد (۱۳۸۲)، جهانی شدن، تئوری های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر ثالث.
 - ۱۷- غفاری هشتجین، زاهد، نیکونهاد، ایوب (۱۳۹۸)، تحلیل آینده نگارانه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، دوفصلنامه علمی دانش سیاسی، سال ۱۶، شماره ۲.
 - ۱۸- مولائی، مرتضی (۱۴۰۰)، بیانیه گام دوم انقلاب، منشور مهدویت و زمینه ساز تحقق تمدن نوین اسلامی، فصلنامه رهیافت های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۲.
 - ۱۹- نادمی، داوود، (۱۳۸۸)، دیدگاه های موافقان و مخالفان جهانی شدن، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۶.
- منبع: فصلنامه ریحانه - شماره ۵
- ۲۰- به نقل از: <http://www.tebyan.net/Teb.aspx?nId=7747>
- ۲۱- طالبی، عباسعلی، خجسته فرد محمود (۱۴۰۳)، مقدمه علم سیاست، انتشارات جهاد دانشگاهی استان مازندران.
 - ۲۲- طالبی، عباسعلی، موسوی زاده، سیدابوالفضل (۱۴۰۲)، بررسی و تبیین تهاجم نرم و سواد رسانه ای با تاکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، شماره ۳، ۱۷۳-۱۹۳.
 - ۲۳- جوادی، امین (۱۳۹۷)، ظرفیت های جهانی شدن انقلاب اسلامی از منظر بیانیه گام دوم، دوفصلنامه علمی- تخصصی اندیشنامه ولایت، سال چهارم، شماره ۸، ۱۰۹-۱۳۱.
 - ۲۴- واترز، مالکوم (۱۳۷۹)، جهانی شدن، مترجم اسماعیل مردانی، سیاوش مریدی، تهران: سازمان مدیریت صنعتی، چاپ اول.
 - ۲۵- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات، جلد اول، تهران: طرح نو.
 - ۲۶- دهقان پور فراشاه، علیرضا، دهقان پور فراشاه، افسانه (۱۴۰۰)، شناسایی مزایا و معایب به کارگیری مدیران جوان در سازمان های دولتی، فصلنامه علمی مطالعات راهبردی ورزش و جوانان / شماره: ۶۲، ۵۶۷، ۵۴۶.